



سینمای ایران برای تمدن‌سازی حرکت نمی‌کند

## جنگ تمام عیار هالیوود علیه ایران و اسلام

■ **بهنام صدقی**

**بر کسی پوشیده نیست که هالیوود، این سلاح پروپاگاندای غرب کاملاً در راستای اهداف شوم و اهریمنی صهیونیسم چنان‌یک‌تار عمل می‌کند. بی‌شک فرهنگ**

**هر کشوری تحت تأثیر عوامل بسیاری است. هنر و صنعت فیلمسازی نیز تأثیر بسیاری در فرهنگ جوامع مختلف دارد و امروزه این صنعت در هالیوود به عنوان یک دستاویز برای تغییر باورها استفاده می‌شود. سینمای غرب که به نام هالیوود شناخته می‌شود، چندین سال است برای تغییر باورهای شرق‌نشینان در حال تلاش و فعالیت در حیطه فیلمسازی است. هالیوود افکار را در روند فیلم‌های خود تسخیر کرده و بدون آن که مخاطب متوجه شود باورهایش را به غارت می‌برد و نگرش او را تغییر می‌دهد.**

**نگرشی که فرهنگ آن را تشکیل داده و نوع زندگی فرد را مشخص می‌کند، به طوری که فرد دیگر آنچه خود فکر می‌کرده نیست، بلکه آن چیز است که اهالی هالیوود می‌خواهند و آن را درست می‌شمارند. از این جهت هالیوود به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز فیلمسازی دنیای امروز نقش اساسی در تمدن‌سازی فرهنگ آمریکایی دارد که کشورهای مختلف را درنوردیده و وسعت فکر غریبی را افزایش داده است.**

**از این جهت می‌توان گفت که کشور گشایی آمریکا دیگر با روش سرد نظامی قدیم نیست. امروزه غربی‌ها با ساخت فیلم‌های مختلف و سرک‌زنی در دست‌گرفتن افکار انسان‌هایی حتی خارج از مرزهای زمینی ایالات متحده آمریکا هستند.**

**هالیوود با ساخت فیلم با ژانر ها و موضوعات مختلف سعی در تسخیر افکار انسان‌ها، القای باورهای غربی‌ها به انسان‌ها، بهمین‌به‌نهی‌الله می‌افزاید. مرزهای آمریکا دیگر جغرافیایی در نظر گرفته نمی‌شود و اینطور هیچ‌گونه گذاری کرده است که هر کس در هر جایی از این عالم فکر آمریکایی داشته باشد، یک آمریکایی است. سینمای غرب در بیان و ارائه چهره اسلام دچار کلیشه‌سازی شده و سعی دارد انسان‌ها را به مجموعه‌ای از ویژگی‌های مبالغه‌آمیز و غیر معمول منتسب کند. کلیشه‌ای که سعی در متحد ساختن همه دارد و یک اجتماع تخیلی فراهم می‌کند. هالیوود همان گونه که مسلمانان را خشونت‌طلب نشان می‌دهد، در مقابل، اروپاییان را افرادی متدین و دیندار می‌که محافظ شرف اروپایی خویشانند، معرفی کرده است.**

**در فیلم «معصومیت مسلمانان» ساخته شده توسط کمپانی هالیوود، شخصیت ارزشمند پیامبر اکرم(ص) به فلنز گرفته شده و اهانت‌های بسیاری به پیامبر اعظم الهی شده است.**

**جای بسی تأسف است که هالیوود با اینگونه فیلم‌های خود در نگرش‌ها تغییر ایجاد می‌کند که نگاه افراد به موضوعات را طوری می‌کند که خود می‌خواهد و منافعش اقتضا می‌کند. بخشی از کشورگشایی دولت آمریکا به واسطه هالیوود انجام می‌شود که انتقال فرهنگ را به دست دارد و با سبک‌ها و گرایش‌ات متفاوتی که**

## «دایو» برای نخستین بار در جشنواره عمار به نمایش درمی‌آید

**با پایان تدوین نسخه اولیه فیلم داستانی «دایو» به نویسندگی و کارگردانی حسین دارابی با موضوع شهدای غواص، این فیلم برای نخستین بار در جشنواره مردمی فیلم عمار به نمایش در خواهد آمد. «دایو» که در روزهای اخیر آخرین پلان‌های خود را با بازی رابعه مدنی در نقش مادر شهید غواص پشت سر گذاشت، اکنون در حال ساخت موسیقی و طراحی جلوه‌های ویژه است تا در روزهای آتی در ششمین جشنواره مردمی فیلم عمار نخستین اسکران خود را تجربه کند.**

**«دایو» روایتگر نحوه اسارت یکی از شهدای غواص است که در محاصره‌ای از زیروهای عراقی پس از اتفاقات تلخ و عجیب، به شهادت می‌رسد. حسین دارابی پیش از این فیلم کوتاه**

## فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۴

**گفت‌وگوی «جوان» با نیما دهقان، کارگردان تئاتر برگزیده جشنواره تئاتر مقاومت**

# «جان‌گز» برای مخاطب امروز حرف تازه دارد

■ **ایزد مهر آفرین**

**نمایش «جان‌گز» از جمله آثار تحسین‌شده پانزدهمین جشنواره بین‌المللی است که بلافاصله بعد از پایان جشنواره در سالن تازه تأسیس «سرو» روی صحنه رفته و نسبت به سایر نمایش‌های حوزه دفاع مقدس از اقبال خوبی نیز برخوردار بوده است. نیما دهقان نویسنده و کارگردان «جان‌گز» سابقه اجرای نمایش‌های متعدد با موضوع دفاع مقدس داشته که می‌توان ردپای**



**او متذکر می‌شوم که سطح گفت‌وگوت وقصه‌ها ت باید در این شکل و ساختار باشد. برای قضاوت شما بهتر است من را در شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حال کشور بررسی کنید. کار «خنکا» آن زمان در شهریور سال ۸۸ و در اوج بحران سیاسی بود.**

**قبول دارم اما تکلیف نویسنده و کارگردان با اثرش مشخص است. شما در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**

**بله، آن زمان در «خنکای ختم خاطر» نقد ما روی یکسری مدیریت‌ها بود. در نمایش «ترن» نقد من روی خود مردم بود. اما در شرایط امروز که من تصمیم به اجرای «جان‌گز» گرفتم دیدم که در این نوع تئاترهایی که در حال اجرا هستند و همچنین سطح مردم به قدری پایین آمده که چپ‌ترین، واضح‌ترین و ساده‌ترین مسائل به نوعی برای مردم قابل درک نیستند. مسائل با شرایط مشخص شده که در آن زمان فارغ از آن جریانات و حواشی‌های سیاسی‌کاری به مراتب باکیفیت و اثرگذار بود. هر صحنه برتدید که از تمام طیف‌ها مخاطب با آن ارتباط خیلی خوبی برقرار کرد.**



نقد و بررسی رمان عاشقی

به سبک ونگوگ

### نادیده‌گرفتن به سبک داوران جایزه جلال

■ **وحید مهری**

**نشست نقد و بررسی مجازی کتاب «عاشقی به سبک ونگوگ» نوشته محمدرضا شرفی خبوشان که توسط انتشارات شهرستان ادب منتشر شده است با حضور محمدرضا شرفی خبوشان نویسنده کتاب و خبرنگاران خبرگزاری**

**فارس، خبرگزاری نسیم و سایت‌های خبری مشرق‌نیوز، رجانیوز، هفت‌راه، علی‌صغر عزتی پاک نویسنده و محمدصادق علیزاده و حاتم ایمنسام کارشناسان کتاب بر پایه نرم‌افزار تلگرام برگزار شد.**

■ **«عاشقی به سبک ونگوگ»**

**نقد و روشنفکری است**

**در ابتدای این نشست محمدرضا شرفی خبوشان، نویسنده کتاب گفت: عاشقی به سبک ونگوگ رمان تاریخی نیست بلکه رمانی است که تاریخ این سرزمین در آن نقش پررنگی دارد، برای من آنچه بر سرزمینم گذشته، اساسی‌ترین دغدغه برای نوشتن رمان است و این کتاب هم بر این مبنای شکل گرفته است.**

**«عاشقی به سبک ونگوگ» در یک کلام نقد و روشنفکری و جریانی از آن در مقطعی از تاریخ ماست.**

■ **طراحی داستان، یکدست نیست**

**در ادامه حاتم ایمنسام، کارشناس کتاب با بیان اینکه بخش اول صحبت‌هاهم را به روایت کتاب اختصاص می‌دهد گفت: «عاشقی به سبک ونگوگ» روایت رمانتیک عشق پسری از طبقه نادران به دختری از طبقه داراییان است. راوی در سه فصل اول، اول شخص (پسر عاشق) و در فصل آخر دادای اول است، بیشتر روایت رمان عشقی زمینی، هنر نقاشی، تاریخ معاصر، ظلم به رعایا و زورگویی قدرتمندان است. با این حال طرح داستانی یکدست نیست. این یکدست نبودن راوی و روایت را هم دچار چالش کرده است.**

■ **«عاشقی به سبک ونگوگ»،**

**روان و راحت‌خوان است**

**در ادامه میثم رشیدی، خبرنگار مشرق‌نیوز درباره این کتاب گفت: این رمان در مجموع، روان و راحت‌خوان است و خواننده را با خود همراه می‌کند اگر چه می‌شد در مقطعی که مرزها و مکان روایت تغییر می‌کند و پیرش دارد، حداقل با فاصله‌ای به اندازه یک سطر، خواندن و همراه شدن با آن را روان کرد.**

■ **این رمان متنی است که در کلیت‌ش**

**باید درک شود**

**در ادامه این نشست علی اصغر عزتی پاک نویسنده نیز به بیان دیدگاه‌های خود در خصوص رمان «عاشقی به سبک ونگوگ» پرداخت و گفت: این کتاب سرگذشت هنرمندی روشنفکر در عهد پهلوی دوم را روایت می‌کند که نه به وضعیت کنونی خود آگاه است و نه از گذشته‌اش با خبر، رمان تلاش دارد تا تلنگری شخصیت را متوجه وضعیت حال و گذشته خود کند.**

**وی در ادامه اظهارات خود افزود: این هنرمند روشنفکر در عاشقی به سبک ونگوگ نقشی را در ابتدای داستان پذیرفته که حاکی از نگاه غیرانسانی طبقه حاکم به جماعت روشنفکر و هنرمندان است؛ بالاخره رفتن در سنگ‌دانی و تحمل همنشینی با سنگ برای به دست آوردن دل دخترکی که ترک وطن کرده تا به رفاه و آسایشی بیشتر از آن چه داشته برسد، واجد معنایی بسیار عمیق و سنگین است. من در این بخش‌ها کتاب را داستانی ناتوالیستی می‌بینم که البته در عمق نظر دارد به نگاه طبقه حاکم به طبقه روشنفکرش.**

■ **عبور از تجربیات**

**دست‌مالی شده شهری**

**در ادامه نقد و بررسی‌های کتاب محمصدق علیزاده، کارشناس کتاب نیز گفت: در یکی دو سال اخیر این سوّمین کتابی بود که خواننده مرا به فضای خراسان سال‌های اوایل دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی و غوری در تاریخ و فرهنگ مردم بخش‌ی از این دیار برد. «چاده جنگ»، «هفتون و فیروزه» و «حالا هم «عاشقی به سبک ونگوگ». نویسنده از تجربیات دست‌مالی شده شهری عبور کرده و مخاطب را به سیاحت عوالم دیگری می‌برد. این سیاحت وقتی ارزشمندتر می‌شود که در نظر اوّرم این سیاحت تخیلی نبوده و در بطن تاریخ این مرز و بوم اتفاق افتاده است.**

■ **رمانی که داوران جایزه جلال نادیده‌اش گرفتند**

**وی در ادامه به بیان دیدگاه خود در خصوص نادیده‌گرفتن این کتاب توسط جایزه جلال آل احمد اشاره کرد و گفت: به نظر من کتاب جناب شرفی که به عنوان نامزد دور نهایی جایزه جلال در بخش رمان حضور داشت، سطح قابل قبول‌تری در نداشت نسبت به کتابی که در نهایت به عنوان برگزیده این بخش معرفی شد، بیشتر هم مخاطب را درگیر خود می‌کند. بر همین اساس انتخاب نهایی هیئت داوران و نادیده‌گرفتن اثری مانند کتاب ایشان برایم مایه تعجب بود.**